

مقاله را چگونه باید نوشت

بقیه از شماره چهارم

۳- اسلوب و ترتیب مقاله

۱- عبارتهائیکه بوسیله آنها میخواهیم یک فکر را ادا بکنیم لباس و یا قالب مقاله را تشکیل میدهند که ما اسلوب مینامیم. اسلوب مقاله هم بقدر روح و موضوع مقاله اهمیت دارد. خیلی اتفاق افتاده که یک فکر بسیار مفید و عالی با عبارات نا مطبوع و گرفت «مغلق» و زشت اظهار کرده شده که از آنرو قیمت آن فکر از میان رفته و خواننده نیز از مطالعه آن ملول شده و دور انداخته است.

درینخصوص باید پیش از همه از افراط و تفریط دوری جست و بقدر امکان ساده و بی تکلف نوشت و تا ممکن است همانطور نوشت که حرف میزنیم تا خوانندگان بزودی مقصد نویسنده را بفهمند. بعضی از مردم خیال میکنند که تا یک مقاله عبارتهای غلیظ و مغلق نداشته و پراز کله‌های عربی و بیگانه نباشد آنرا ادبی و مرغوب نخواهند شمرد. این فکر بر خطاست. ساده نویسی با ادبی بودن مقاله منافات ندارد. اگر چه مجله ما علمی و ادبی است ولی ما نمیخواهیم دایره استفاده آنرا به اشخاصی چند که خود صاحب علم و ادب و بی نیاز از خواندن این مجله هستند منحصر بکنیم. باید مطالب را گرچه علمی و ادبی باشد طوری ساده و مشروح نوشت که قسمت بزرگی از اهالی با سواد مملکت آنها را بفهمد و از آنها بهره مند شود.

۲- مقاله را وقتی باید نوشت که دماغ و ذهن صاف و آزاد و حاضر بکار کردن باشد چنانکه یک موسیقی دان و یک نقاش وقتیکه

بمیل و رغبت خود کار بکنند و بعبارت ساده وقتیکه تردماغ و سر حال هستند بهتر میتوانند صنعت خود را نشان بدهند همانطور یک مقاله نویس باید از روی ذوق و میل و با یک دماغ صاف و روشن مشغول چیز نوشتن بشود نه از روی اجبار و خالی نبودن عریضه. درینخصوص هر کس خود بهتر میتواند معین بکند که در کدام اوقات و در چه حال ذهن و دماغ او روشن و مایل بکار کردن است. شعرا و ادبای معروف در ینباب سلیقه‌ها و عاداتهای مختلف و گاهی هم خنده ناک داشته اند.

۳ - پس از نوشتن مقاله یک یا چند بار دیگر مرور کرده آنرا تصحیح باید نمود. اغلب مردم گمان میکنند که یک مقاله را باید طوری نوشت که هیچ محتاج تغییر عبارت و تصحیح کلمات نباشد. این یک شرط ضروری نیست و اکثراد با و محررین معروف نیز بی نیاز از تصحیح نوشته‌های خود نبوده اند. حتی بعضیها طوری قلمزده می نوشته اند که از یک صفحه آنها فقط دوسه سطر باقی میماند. نویسی عیب و گناه نیست ولی غلط نویسی و زشت نویسی عیب است. بدینجهت اغلب نویسندگان پس از نوشتن یک چیز دوسه روز آنرا میگذارند میماند و بعد آنرا با چشم تنقید مثل اینکه یک شاکرد مبتدی نوشته و برای تصحیح پیش او آورده میخوانند و اولاً فکر و مطلب را و بعد عبارتها و کلمه‌ها را از نظر تدقیق گذارنده تصحیح میکنند و گاهی دو سه بار اینکار را بجای می آورند و این بهترین ترتیبهاست برای خوب نویسی.

۴ - تا ممکن است مطالب را روشن تر باید نوشت. و یا تقسیم به

مبحث‌ها و فصلها نمود که خوانندگان را ملال نگیرد. درینخصوص همیشه در نظر باید گرفت که ما ایرانیان در مدرسه علم و معرفت هنوز الفبا خوان هستیم.

فوق العاده فوق العاده

این مقاله که گوشه‌ای از اوضاع اخلاقی و اجتماعی امروزی ایرانرا در ضمن یک حکایت شیرین نشان میدهد از طرف آقای مشفق کاظمی محرر کتاب «طهران بخوف» که در پاورقی جریده ستاره ایران چاپ میشود فرستاده شده است. چون میدانیم نویسنده جوان جز شرح حال ناگوار معلمین ایران و ذکر بعضی حقایق تلخ که برای جامعه ایران درین عصر آزادی مایه ننگ و بزرگترین نمونه فساد اخلاق ما ایرانیان است، غرض دیگری نداشته است لذا ما آنرا درج میکنیم و جوانان حساس ایرانرا دعوت میکنیم که ازین جوان پاکدل پیروی کرد در زمینه اصلاح نواقص اخلاقی بدین طرز نوشته‌های مفید برای مجله ایرانشهر بفرستند.

ایرانشهر

عصر یکی از روزهای بهار با جمعی از دوستان در منزل یکی از رفقا دعوت داشتیم. بدبختانه اغلب آنها در سلک معلمین یعنی آن گروه زحمتکش طهران، آن دسته نیکه سردار ناطق وجود آنها را لازم ندانسته و آن دیگری در ردیف انسان حسابشان نمیکرد بودند.

نداشتن پول زیاد یا بعبارت واضح لات بودن ما را و امیدداشت از اینکه مانند راسپوتین و آن صاحبمنصب زلف تابیده سوارکالسکه و درشکه شخصی یا کرایه شده بخارج دروازه عباس آباد یا قصر قاجار گردش برویم.

بنابراین پس از مدتی فکر کردن و بخود زحمت دادن یا با اصطلاح اهل علم تبادل افکار نمودن گردش رفتن بخنبابان ناصریه و میل کردن یک بستنی در لوغانطه دالان بهشت را چون وزیر محترم بکیسه ما اجازه